

قابل دسترس ترین ابزار انسان، برای دستیابی به نبوغ موسیقایی صدایش است. همان طور که در مقدمه‌ی بخش اول و دوم کتاب سلفژ مقدماتی یک صدایی بیان شد، سلفژ یا سرایش، یکی از اصول لازم و پایه برای تربیت موسیقی دانان جوان است. به راستی سلفژ پایه و بنایی است که به واسطه‌ی آن می‌توان به تکنیکی مهم و قوی در کلیه‌ی زمینه‌های موسیقی دست یافت. توانایی درست خواندن نت‌های یک قطعه‌ی موسیقی، بیش از نواختن ساز، نوازندگان را از درک درست قطعه مطمئن می‌سازد. بنابراین گوش همیشه باید برای یک موسیقی‌دان خوب راهنمای حرکت روان و دقیق انگشتان باشد.

سلفژ درسی است که به رشد شنوایی موسیقایی، حافظه، درک ریتم، سلیقه‌ی هنری و پرورش زیبایی شناسی موسیقی کمک می‌کند. کودکان بهتر است برای آموزش موسیقی در ابتدا از ترانه‌های محلی خود بهره گیرند. آنها باید با بهترین و والاترین متون موسیقی آشنا شوند.

در این کتاب از ترانه‌های محلی روسی استفاده شده است؛ این ترانه‌ها به خاطر شرقی بودنشان برای کودکان ایرانی ملموس تر هستند. برای جذابیت بیشتر ملودی‌ها، از اشعار فارسی به جای اشعار روسی، با در نظر گرفتن مضمون روسی آنها، استفاده شده است این درس‌ها هم زمان هنرجویان را با ملودی‌های شاهکار آهنگسازان بنام آشنا می‌کند.

کتاب سلفژ مقدماتی بارها در کشور اتحاد جماهیر شوروی سابق تجدید چاپ شده است و نسل‌های مختلف در مدارس آن کشور در کنار دیگر کتاب‌های سلفژ از آن بهره برده‌اند.

جا دارد در اینجا از استاد عزیزم خانم دلبر حکیم‌آواکه مشوق و راهنمای من در چاپ این کتاب بوده‌اند تشکر و قدردانی کنم.

رومینا بهنوش

بخش سوم تنالیهی دو ماژور و لا مینور

متعادل

۲۱۹. توای کاج من (روسیه)



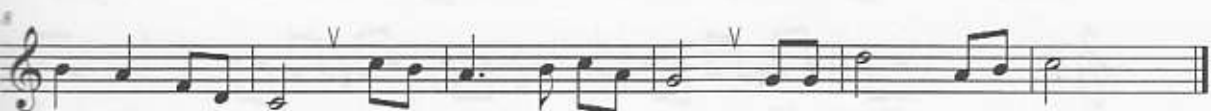
شوخی

۲۲۰. خرگوش کوچولو (م. کراسیف: M. Krasiev)



متعادل

۲۲۱. روسیه



پرتحرک

۲۲۲. رقص مردم مولداوی





شاد و زنده

۲۸۸. مرد جوان چه نام داشت؟ (روسیه)



شاد و زنده

۲۸۹. کولاک (ن. پاتالائوسکی؛ N. Potolovsky)



تنالیتھی لا ماژور و فا دیز مینور

آوازی و پر تحرک

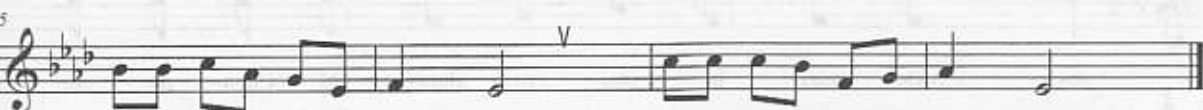
۲۹۰. پاییز (ب. تیریتوف)





بدون عجله

۳۶۳. زود خسته می شوم (اکراین)



تند

۳۶۴. چرا نزد من نشسته‌ای (روسیه)



نسبتاً تند

۳۶۵. این چه پروانه‌ای است! (روسیه)



نسبتاً تند

۳۶۶. روی سنگ نشسته‌ام (روسیه)



Az an- dākh- ta- ne de- rakh- tā- ye khosh- ki-



de va bi bar- go bar khas- tam Bar ru- ye takh-



te san- ge bo- zorg ne- shas- te- am ta- bar dar das- tam

از انداختن درختای خشکیده و بی برگ و بر خستم

بر روی تخته سنگ بزرگ نشسته‌ام تبر در دستم